

گزارش تیش از درآمدزایی شیادان با طرح ادعاهای خرافه

# مدعیان بی سواد، مریدان ساده لوح



اعتقاد به خرافات مربوط به امروز و دیروز نیست و پیشینه‌ای طولانی دارد. بر اساس شواهد تاریخی، گرایش به خرافات در ایران باستان و پیش از ظهور اسلام وجود داشته است. مورخان رومی می‌گویند شاهپور دوم به وسیله غیب‌گویان با تمام ارواح خبیثه و قوای جهنمی سروکار داشت و راجع به آینده از آنان سؤال می‌کرد. خسرو دوم نیز، برای ساختن سدی بر شط دجله، با ۳۶۰ غیبگو، جادوگر و ستاره‌شناس مشورت کرد و راهنمایی آنان را به کار بست، اما چون به نتیجه دلخواهش نرسید، همه را یک به یک از دم تیغ گذراند.

آریایی‌ها به ویژه آناهیتی که در شمال ایران زندگی می‌کردند، اشباح را مسئول صدمه به روح و جسم می‌دانستند و برای دفع ارواح شیطانی، به گوش ماهی و سنگ فیروزه پناه می‌بردند. برخی شاهان بیش از مردم عادی به خرافات اعتقاد داشتند، به طوری که می‌گویند یکی از پادشاهان به دلیل این که چند روز از سال را نحس می‌دانست، از پادشاهی استقامی دادو شخص دیگری را به جای خود می‌نشاند و پس از گذران این مدت، مرد بخت‌برگشته را به قتل می‌رساند.

یکی از نویسندگان خارجی درباره اعتقاد مردم ایران به خرافات می‌نویسد: اعتقاد به خرافات بیش از ثروتمندان، در میان طبقه متوسط و پایین اجتماع دیده می‌شود. آنها تصور می‌کردند شهاب‌سنگ‌ها، تیرهای آسمانی هستند که ملائک آن را به سمت شیطانی که قصه‌دور و به منطقه‌شان داشته است، پرتاب می‌کنند.

در دوره قاجاریه، اعتقاد به خرافات بسیار شدیدتر از دوره‌های قبل بوده، به گونه‌ای که دعانویسی و جادوگری از مشاغل رسمی این دوره محسوب می‌شد. باورهای خرافی حالا به عنوان میراثی اجباری به اشکال دیگری، هنوز در میان اقوام مختلف ایران وجود دارد. در برخی اقوام، مثلاً اگر روز اول نوروز، لباس نوبه‌تن داشته باشید، تا آخر سال پول کمی به دست می‌آورید، در مراسم عروسی، اگر عروس باشید، حق ندارید کوچک‌ترین مشارکتی در تهیه یک کیک داشته باشید یا طعم آن را بچشید و گرنه محبت شوهرتان را از دست می‌دهید. در بخش‌هایی از جنوب کشور، مردم اعتقاد دارند موجودی به نام ام‌الصبيان بچه‌ها را آزار می‌دهد. برای دور ماندن از این آزار، مادرها چوب‌عود را به شکل (+) درست می‌کنند و به گردن کودک‌شان می‌آویزند تا موجود بدطینت دور شود. در نهایت اگر از کنار مراسم تشییع جنازه رد شوید، روز بعد خواهید مرد!

## رواج عقاید خرافی عجیب در دنیا

به جز ایران، در سایر کشورها از جمله ملل پیشرفته نیز کم از این خرافات دیده نمی‌شود. مثلاً در چین،

عدد چهار نحس است و به همین دلیل در بسیاری از ساختمان‌ها طبقه چهارم وجود ندارد. در روسیه می‌گویند حمل سطل خالی یا دیدن کسی که سطل خالی به همراه دارد، یک نشانه بد است. این مساله، احتمالاً ناشی از این واقعیت بود که تزار الکساندر دوم، توسط یک مرد با سطل خالی ترور شد. در بخش‌هایی از ترکیه مردم معتقدند اگر شب آدامس بجوید، مثل این است که گوشت مرده در دهان‌تان است!

در کره جنوبی، مردم باور دارند اگر شب پنکه‌ای را در اتاق در بسته روشن کنند، پنکه فردا خواهد کشت. معتقدند پنکه در اتاقی باید روشن شود که شیشه ترک خورده دارد. در آمریکای شمالی اعتقاد بر این است اگر روی یک ترک یا شکاف قدم بگذارید، بدشانسی رقم می‌خورد و شاید حتی کمر مادر شخص نیز بشکند. اما عجیب‌ترین نوع خرافات در انگلیس است. برخی معتقدند اگر می‌خواهید تخم‌مرغ آب‌پز بخورید یا آن را بشکنید، علاوه بر شکستن سر، حتماً باید ته آن را نیز بشکنید. اگر این کار انجام نشود، یک جادوگر، تکه‌های پوست تخم‌مرغ را جمع کرده و با آن قایق می‌سازد و باعث وقوع یک توفان و حشتناک خواهد شد.



## به دین و عقل اعتماد کنید

گرایش برخی افراد به عقاید و اقدامات خرافی هیچ ربطی به بی‌سواد و باسواد بودن آنها ندارد و اتفاقاً شاید برای آنان خیلی جالب باشد بدانید خیلی وقت‌ها

روی بعضی از قسمت‌های خاص بدن‌شان دعاهایی بنویسند، در حالی که مشخص است این فرد قصد سوءاستفاده از زنان و دختران زودباور و ساده را دارد. این روان‌شناس توصیه می‌کند: افرادی که دارای مشکلات روان‌شناختی، عاطفی، رفتاری یا خانوادگی هستند، به جای پناه بردن به خرافات و افرادی که مدعی انجام رفتارهای ماوراءالطبیعه هستند، بهتر است از طریق بالا بردن آگاهی، توکل به خداوند، بهره‌مندی از دستورات دینی و روش‌های مقابله‌ای، توسل به ائمه و به کار بستن دستورهای قرآنی، استفاده از نظریه‌های علمی روان‌شناسی، تجارب منطقی و مثبت اعضای خانواده در دنیای مدرن، تغییر ساختارهای شناختی برای حل مشکلات و تعارضات درون شخصیتی و حتی اضطرابی و در نهایت بهره‌مندی از تکنیک‌های متخصصان روان‌شناسی، مشکلات و مسائل خانوادگی خود را مرتفع کنند.

## جامعه بیمار

به گفته کارشناسان، جدای از گرایش برخی افراد به خرافه‌گرایی، فضای جامعه نیز در به وجود آمدن این علاقه عجیب‌بی‌تأثیر نیست. دکتر افسر افشار نادری، جامعه‌شناس نیز تأکید و هشدارش روی همین فضای نابه‌سامان و آسیب‌خورده جامعه است. او معتقد است چنین ساختار بیماری، بعضی از مردم را به سمت خرافه‌گرایی سوق می‌دهد.

به‌باور این استاد دانشگاه، هدف ماندن برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و در یک کلام، اطمینان نداشتن به آینده باعث شده تا عده‌ای از روی ناچاری به خرافه پرستی روی بیاورند تا شاید بتوانند آینده را پیش‌بینی کنند و براساس آن برنامه‌ریزی درستی برای زندگی خود انجام دهند.

سر دیگر این ماجرا آشنایانی هستند که به نام کمک از مشکلات مردم سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که به گفته این جامعه‌شناس، باهوش هستند، اما از آن در جهت منفی بهره می‌برند تا به اهداف پلید خود دست یابند. او ادامه می‌دهد: «متأسفانه سوءاستفاده از مشکلات و افکار مردم، زمینه‌فکری از گذشته دارد و همواره عده‌ای از این مساله نهایت بهره را برده‌اند. اینها می‌دانند وقتی مردم از مسیرهای عادی و معمولی رایج در جامعه نمی‌توانند مشکلات خود را رفع کنند، در نهایت به آنان مراجعه می‌کنند.

بازار خرافات و استفاده از جادو جنبل و ظهور آدم‌هایی که ادعای امامت و منصوب بودن خدا روی زمین می‌کنند، حساسی داغ است. با مشکلاتی که هم‌اکنون روز به روز در جامعه در حال افزایش است، این ادعاها به یک بازار پر مخاطب تبدیل شده و برای حل این معضل نیز هیچ راهکاری وجود ندارد، مگر آگاه‌سازی مداوم مردم توسط رسانه‌ها و برخورد جدی از سوی نهادهایی که متولی امور هستند.